

نقش مسجد در مدیریت توسعه محله‌ای

دکتر سعید اسدی

چکیده

در مطالعه حاضر، مسئله اصلی، تحلیل نقش مسجد به عنوان گسترده‌ترین شبکه فراگیر اجتماعی و نقش آفرینی آن در مدیریت ارتباطات اجتماعی و تأثیر آن در توسعه شهری به ویژه محله‌ای با ظرفیت و پتانسیل بالا است.

جایگاه مسجد در ورود به مدنیت صحیح و توسعه آن و حل مشکلات موجود شهری و محله‌ای - منتج از شهرنشینی و نوگرایی، در جهت برخورداری از جوامع سالم به‌ویژه در سطح محله‌ای، مسئولیت این نهاد در اجرای عدالت اجتماعی به واسطه مدیریت در توزیع متناسب بیت‌المال و از میان بردن فقر و تبعیض میان افراد سطوح مختلف جامعه، نقش مسجد در انعکاس نقطه نظرات و پیشنهادات مردم شهرها و محلات به مسئولین و تأثیرگذاری بر روند تصمیم‌گیری و مدیریت خرد کشور متناسب با نظرات و خواسته‌های مردم و مطرح بودن جایگاه آن به‌عنوان نقطه عطف مدیریت در توسعه مودت، انس و اخوت امت اسلامی و تأثیر آن در غنای مدیریت و استاندارد سازی زندگی انسان در جنبه‌های فردی و اجتماعی است. در مقایسه با سایر شاخص‌های مدیریتی که عمدتاً از زاویه و چشم‌انداز خاص مدیریت فرهنگی، آموزشی و... را مدنظر قرار می‌دهند، امروزه نقش مدیریتی مساجد که با تمامی قلمروهای پیچیده انسانی اعم از آموزشی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... سر و کار دارند از اهمیت به‌سزایی برخوردار گردیده و بر اهمیت نقش بارز مدیریتی مساجد به عنوان مجالس شورای اسلامی و مراکز دخالت و مشارکت مسلمانان در شیوه اداره حکومت همان‌گونه که پیامبر اکرم بدان تأکید داشت، بیش از پیش افزوده است. هدف مقاله حاضر، معطوف داشتن توجه به نقش مسجد در

افزایش فشردگی کالبدی در توسعه شهری از نظام مدیریت شهر محور به مدیریت محله محور و ایجاد تهران پایدار به واسطه بهره‌گیری از وجود مساجد و اماکن مذهبی در مراکز محله است. مقاله حاضر به سامان دادن مدل‌های ذهنی و ساختار ذهنیت مدیران شهری از طریق برقراری ارتباط با نهادها و تشکلهای مردمی نظیر مسجد و کانون‌های فرهنگی مستقر در آن و گسترش کمی و کیفی تفکر نظام‌گرا و فراهم آوردن رفتار توسعه یافته در تمامی دست‌اندرکاران اداره شهر و محلات تهران، می‌پردازد. مطالعه حاضر، پژوهشی توصیفی (Descriptive) است که در آن علاوه بر مطالعه اسناد و مدارک و منابع کتابخانه‌ای، از شیوه مصاحبه با اساتید حوزه و دانشگاه بهره‌گیری شده است.

واژگان کلیدی: توسعه شهری - مدیریت خرد - مدیریت محله‌ای - تشکلهای مردمی - تفکر نظام‌گرا.

نقش مدیریت در زندگی اجتماعی

صاحب‌نظران علم سازمان و مدیریت بر این اعتقادند که جوامع امروزه بشری، همراه با گسترش روابط اجتماعی، توسعه صنایع و دگرگونی ارتباطات، اختراع وسایل جدید زندگی و تجمل‌گرایی و رفاه‌زدگی بشر به همراه شاخص‌های دیگر که برای تأمین نیازمندی‌های روزافزون اجتماع پا به عرصه وجود نهاده‌اند، مسایل مدیریتی و تئوری‌های جدیدی را مطرح نموده است که حل و فصل آنها نیاز به دید علمی و جامع مدیریتی دارد.

با توجه به کمبود منابع مادی و انسانی و توسعه روزافزون سازمانی در جهت تولید و توزیع کالا و خدمات به اقتضای پیشرفت‌های تکنولوژیک و تکامل و تحول ارزش‌های فرهنگی و مذهبی ضرورت رفتار عقلایی و خردگرایی سازمانی را مشهود می‌سازد.

ماکس و برخردگرایی را متضمن طرح‌ریزی و ایجاد یک سیستم اداری از طریق تقسیم کار و هماهنگ کردن فعالیت‌ها براساس بررسی منظم روابط یک فرد با افراد دیگر به‌منظور بدست آوردن بهره‌وری بیشتر می‌داند.¹

با مشاهده سیر تکاملی جوامع بشری پی می‌بریم که ادامه زندگی انسان بدون وجود سازمان و تشکیلات اجتماعی امکان‌پذیر نمی‌باشد، زیرا در آن روزی که انسان پا به عرصه وجود نهاد و زندگی خویش را آغاز کرد، بطور فطری نخستین واحد سازمانی را به نام (خانواده)

¹ . اقتداری، سازمان و مدیریت: ص ۲ .

تشکیل داد.^۲

از دیگر نهادها و سازمان‌های اجتماعی که عمری بس طولانی داشته و احتمالاً از نظر قدمت چندان فاصله‌ای با سازمان خانواده نداشته باشد (سازمان حکومت) یا (سازمان مدیریت) است چرا که بشر در آغاز احساس کرد که نیاز به تشکیلاتی دارد که در قالب آن وظایف و مسئولیت‌ها را مشخص نماید. امروزه که زندگی و آگاهی‌های علمی بشر توسعه یافته و نیازهای گوناگون انسانی، سازمان‌های متنوعی را می‌طلبد به اهمیت سازمان افزوده شده است تا جایی که دنیای پیشرفته، انواع و اقسام سازمان‌ها را برای اداره امور زندگی خود به وجود آورده است. سازمان‌های تربیتی و پرورشی، سازمان‌های اخلاقی و انسانی و... که هر یک از آنها با طبایع مخصوص به خود انجام وظیفه می‌نمایند. با توجه به اهمیت، تعاریف و شاخص‌های سازمان از نظر صاحب‌نظران علم مدیریت و با نگاهی به فرهنگ اسلامی که فرهنگ نظم است با سازماندهی و سازمان با دیدی عمیق نگرینده می‌شود.

تقسیم کار، حدود وظایف، جلوگیری از تداخل امور، دامنه اختیار و آزادی در محدوده مسئولیت، همه از جمله مسائلی هستند که جهت نیل به سعادت و سیادت و توسعه در نظام اسلامی از ضروریات زندگی اجتماعی به‌شمار می‌روند. امروزه آمار و سنجش‌های آماری، نقش مهمی در برنامه‌ریزی‌ها و مدیریت عرصه‌های مختلف بازی می‌کنند. چگونگی و ساختار برنامه‌ها را آمار مشخص می‌کند از این‌رو به دلیل گره خوردن این دو مقوله و ارتباط مستقیمی که با هم دارند آنها را در کنار هم در نظر گرفته‌اند. در مباحث جامعه‌شناسی گفته می‌شود که هرچه آمار دقیق‌تر و مشخص‌تر باشد، از عملکرد دقیق‌تر و مشخص‌تری در برنامه‌ها به‌ویژه برنامه‌های مدیریتی برخوردار خواهیم بود. بررسی نسبت جمعیت منطقه یا محله و خدمات رفاهی و اجتماعی آن، داشتن درک درست از سرانه مصرفی مردم هر محله و تدوین آمار کسبه و سکنه هر محل و یا آمار مساجد و کانون‌های فرهنگی محله‌ای و نسبت آن با جمعیت و سکنه هر محله دقیقاً همان نقشی را در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری و به‌ویژه محله‌ای ایفا می‌نماید که عقربه‌های ساعت در مشخص کردن زمان.

به‌طور کلی می‌توان گفت که مبنای برنامه‌ریزی و مدیریت در امور محله‌ای و منطقه‌ای باید در قالب برنامه‌ریزی بر مبنای آمار صورت گیرد. با درک هرچه بیشتر تبعات آمار محلی به عنوان مثال دانستن آمار درستی از میزان مصرف افراد در هر محله، بی‌شک امر برنامه‌ریزی

^۲ . بروس کوئن، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر فرهنگ معاصر، ۷۴۰، ص ۱۲۷.

و مدیریت برای جهت‌دهی به مصرف و عرضه خدمات نیز روشن‌تر می‌گردد. به عنوان مثال با در دست داشتن آمار نمازگزاران هر مسجد در محله‌های مختلف، با توجه به نسبت جمعیت ساکن در هر محله، می‌توان درک درستی از شرایط مذهبی و فرهنگی آن محل و میزان موفقیت مساجد در مدیریت محله‌ای به دست آورد.

مدیریت در سطح کلان شهری

در جهان امروز، شهرها ابعاد پیچیده‌ای یافته و گویی که هزاران سال تلاش و تکاپوی انسان در ابعاد فرهنگی، هنری، دینی، اجتماعی، اقتصادی و... هستند. شهرها همچون يك نظام، با موجودیت خود به عنوان تنظیم‌کننده‌گان روابط عینی اجتماعی شهروندان و اثرگذار بر زمینه‌های باورها، اندیشه و رفتار آنان عهده‌دار نقش متفاوتی نسبت به گذشته هستند. طی دهه‌های اخیر حساسیت این موضوع بسیار فراتر از گذشته به چشم می‌خورد. چه اینکه شهرها تجسم عینی ایده آل‌ها، آرزوها، نگرش‌ها و مناسبات اجرایی يك جامعه شده و چه بسا مؤثرتر از نظام‌های آموزشی و اطلاعاتی کل کشور، به صورتی عمیق و نامحسوس، تار و پود وجودی شهروندان را می‌سازند. اتکای مردم به نظام مدیریت شهری ابعاد فزاینده‌ای یافته است، به‌گونه‌ای که ابتدیی‌ترین نیازهای آنان بدون پشتیبانی مدیریت شهری برآورده نمی‌گردد. از این‌روست که در دنیای امروز، شهرداران در ردیف مدیران اصلی اداره‌کننده حکومت ما محسوب می‌گردند. کلان شهر تهران در کشور ما ابعاد بسیار پیچیده و مسایل بسیار گسترده‌ای را یافته است. این شهر مرکز و کانون فعالیت‌های گوناگون در جامعه ایران گردیده است. تهران به عنوان مرکز حکومت، اقتضای ساماندهی سیاسی و مدیریتی جامعه را در وسیع‌ترین شکل ممکن یافته است، به‌گونه‌ای که بخش عظیمی از دستگاه‌های اندیشه‌ساز، پردازش‌گر اطلاعات و تصمیم‌ساز و کلیه نهادهای تصمیم‌گیر در این شهر استقرار یافته‌اند.

تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در گرو فضای متعادل و آرامی است که اجازه شکوفایی فهم و تعقل را بدهد. بیش از پیش به نظر می‌رسد که تهران از آرامش برخوردار نبوده و مرکز اصلی اداره‌کننده کشور از توازن و بالنده‌سازی کارشناسان و مدیران جامعه دور می‌شود. کلان شهر تهران در درون خود بسیاری از چیزها را جا داده است که در يك کلام نظام تکاملی (ناهنجار) به نظر می‌آیند. حل مسایل این شهر صرفاً به اتکای داده‌ها، اطلاعات و دانش کلاسیک امکان‌پذیر نبوده و ضرورت ساماندهی فهم و تعقل صاحب‌نظران و نخبگان فکری جامعه و شهروندان این شهر را طلب می‌کند. کلان شهر تهران را به عنوان يك (شهر پایدار)

می‌باید نگرینست. شهر پایدار در نظام جمهوری اسلامی ابعاد متعادل و ظرفیت‌تری می‌باید و نظام مدیریت شهری عهده‌دار فراهم آوردن شرایطی می‌گردد که در چارچوب آن شهروندان از آرامش روحی برای توسعه نیایش و آسایش ذهنی جهت گسترش اندیشه و سلامت جسمی برای تلاش و فعالیت اجتماعی جهت نیل به توسعه شهری - محله‌ای برخوردار گردند. بدین ترتیب نقطه آغازین مدیریت شهری در تهران، به اجرای طرح جامع ۲۵ ساله و ارایه خدمات شهری محدود نگردیده بلکه نیازمند فلسفه مدیریتی است که در جهت اعتلای اهداف برشمرده، در تعامل گسترده با شهروندان به نتیجه برسد چرا که بر این اعتقاد راسخ هستیم که اکثریت شهرها، تولید و مصرف را متمرکز ساخته و الگوهای ناسازگار با طبیعت را اشاعه داده‌اند، اما همین شهرها در محیط تمدن‌ساز خود، بزرگترین نوآوری و فرصت‌های تحول را با جمع‌آوری و تضارب افکار، منابع و دانش بشری فراهم آورده‌اند. سامان یافتن مدیریت کلان شهر تهران در گرو اقدامات گسترده، پیوسته و همه جانبه‌ای است که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱ - افزایش فشردگی کالبدی در توسعه شهری به جهت معطوف داشتن توجه بر توسعه محله‌ای.

۲ - حفاظت و احیای مراکز باستانی و مساجد مستقر در محلات مختلف شهری.

۳ - اصلاح نظام اداری شهری و تغییر نظام شهر محور به نظام محله محور.

۴ - سامان دادن مدل‌های ذهنی یا ساختار ذهنیت مدیران از طریق برقراری ارتباط با نهادهای مدنی و تشکلهای مردمی نظیر مساجد در راستای نهادینه سازی تحول و بالندگی در اداره شهر تهران.

۵ - گسترش کمی و کیفی تفکر نظام‌گرا و منظومه‌ای و فراهم آمدن رفتار توسعه یافته در تمامی دست اندر کاران اداره شهر تهران.

۶ - ایجاد تهران پایدار به واسطه بهره‌گیری از وجود مساجد، فرهنگسراها، خانه‌های فرهنگ، مدارس، دانشگاه‌ها و... به عنوان کانون‌های توسعه تفاهم اجتماعی و و برقراری امکان تبادل‌نظر میان این کانون‌ها و دستگاه‌های دست‌اندرکار برای یادگیری جمعی.

دین و جایگاه آن در ورود به مدنیت

کمتر عاملی به اندازه دین و ایمان در ایجاد تحولات تاریخی و دوران ساز از جمله تشکیل

سلسله‌ها و خاندان‌های حکومت‌گر دخالت داشته است. در کمتر درباری از دربارهای قدیم است که دین‌داران نقش و نفوذ نداشته باشند. در بسیاری از ادوار تاریخی، بسیاری از شاهان و فرمانروایان برای حکومت خود به حق یا ناحق، الهام یا منشاء الوهی قایل شده‌اند. کلیسا از بدو تأسیس تا عصر جدید غالباً دولتی در برابر دولت یا مسلط بر دولت بوده است. اگر پیوند دین و مدیریت (حکومت) کارنامه‌ای درخشان نداشته است، از این رو است که غالباً مدیران (حکمرانان) از نقش و نفوذ دین سوء استفاده می‌کرده‌اند و گرنه از آنجا که دین غالباً هم‌عنان با اخلاق است، پیوندش با مدیریت (حکومت) می‌تواند بارور و به نفع حکومت شوندگان و جامعه بشری باشد. به طور کلی می‌توان گفت که دین و ایمان از جمله مهم‌ترین نهادهای اجتماعی - فرهنگی بشر بوده‌اند. شاید عصر ما عصر بازنگری و بازگشت به دین باشد. دو قائمه بزرگ مادی‌گری و مادی‌نگری، یعنی پوزیتیویسم (در زمینه اندیشه و علم) و مارکسیسم/ کمونیسم (در زمینه عمل و اقتصاد و جامعه گردانی) شکست خورده و برای بشریت رنج دیده امروز، مجال تأمل در معنویات و بازگشت به سنت‌های معنوی که جامع‌ترین مصداق آن دین است، فراهم آمده است. از سده‌های نخستین ظهور اسلام در عامه مجامع اسلامی (مساجد) به عنوان شاخص‌ترین و بارزترین نهادهای اسلامی تجلی داشته و آنچه در منظر ابتدایی مایه‌های فرهنگ اسلام را بروز داده است همانا وجود مناره‌های بلند و زیبای مساجد در پیشانی شهرها و محلات مسلمان بوده است. در حقیقت آموزش عملی بنیانگذار مکتب اسلام بر رهروان راهش نیز بر این مدار پایه گذاری شده است. در طراحی و برنامه‌ریزی اساسی حکومت اسلامی (مسجد) نخستین پروژه‌ای است که معمار نهضت اسلامی در آستانه ورود به یترب در محله قبا آن را به مورد اجرا می‌گذارد. وی با ورود به یترب نام مدینه را بر آن برگزیده و مسجد دیگری در مرکز شهر بنا می‌نهد. بدین ترتیب می‌نمایاند که برای ورود به مدینیت صحیح و توسعه آن جهت برخورداری از جامعه سالم از قالب مسجد باید گذر کرد و رنگ و بوی مسجدی که همانا صیغه الله است بر خود گرفت و آنگاه در مدینه حکومت اسلامی و در مساجد آن ستاد حکومتی (مدیریتی) تشکیل داد و دین و آیین سیاست (مدیریت) را آموخت و دانست که اسلام دین بهزیستی فرد و اجتماع و عامل اصلی مدیریت توسعه شهری و محله‌ای است. در مسجد شکاف طبقاتی حذف و نظام برابری و برادری برآن حاکم است. آنچه که در آن موردنظر است تعمیم روح حاکم بر مساجد در سایر بخش‌های جامعه است. کارکردهای نمونه يك امت بدون تمایز ظاهری حتی در روش نشستن مسلمانان در مساجد به وضوح مشهود است.

مدیریت و اسلام

ابعاد گوناگون زندگی انسانی دو موضوع را به ما ثابت می‌کند که نیاز به مدیریت از لوازم ضروری زندگی و وسیله‌ای برای سعادت او می‌باشد و این ضرورت آنگاه آشکار می‌شود که انسان در ابعاد مختلف فکری و جسمی، اجتماعی و روانی شناخته شود.

دین مبین اسلام، ضرورت مدیریت را تا آن حدی می‌داند که می‌گوید قبل از اینکه به کاری اقدام کنید برای خود مدیریت را برگزیند تا در پناه نظم و هماهنگی سریع‌تر به هدف برسید.^۳

مطالعه تاریخ گذشتگان، ما را به نقش و تأثیر مدیریت در ارتقاء و یا انحطاط ملت‌ها واقف می‌گرداند. چه بسیارند ملت‌هایی که از نظر امکانات مادی و زمینه‌های مساعد فکری و مایه‌های غنی فرهنگی هیچ کمبودی نداشتند، اما به خاطر نداشتن مدیریت مدیرانه و رهبری آگاهانه در راستای برنامه‌ریزی صحیح و سازماندهی اصولی و استفاده از نیروهای موجود در جهت نیل به هدف، در سرراشویی سقوط و شکست قرار گرفته‌اند. در مقابل ملت‌هایی بوده‌اند که با سازماندهی و بسیج نیروها، و مدیریت منسجم از کمترین امکانات بزرگترین افتخارات را کسب نموده‌اند. زندگی انسان از آن جهت که یک زندگی اجتماعی است از واحدهای مختلفی تشکیل شده که ما هر یک از آنها را ارگان‌های نظام اجتماعی می‌نامیم. با پیشرفت زندگی اجتماعی به تدریج سازمان‌های جدیدی نیز شکل گرفته است. به دیگر سخن در هر جامعه‌ای برای انجام وظایف خاصی و رسیدن به اهداف معین یک سازمان بوجود می‌آید. این سازمان برای انجام مسئولیت خویش، دارای سیستم و کارکرد مخصوص به خود می‌باشد. در جامعه اسلامی هر مسجد یک سازمان منسجم معنوی است و دارای اهداف، کارکرد و سیستمی مخصوص به خود می‌باشد و باید به شکل صحیح مدیریت شود تا خود بتواند نقش اصلی خود را به خوبی ایفا نماید.

تشکیلات و سازمان مسجد یک تشکیلات اداری، انتفاعی و یا تجاری نیست بلکه سازمانی الهی مردمی است که با مدیریت معنوی و نفوذ کلمه امام جماعت و با حضور توده مردم سازماندهی می‌شود.^۴

^۳ . تقوی دامغانی، سید رضا، مدیریت اسلامی: ص ۵۳ .

^۴ . محمدی آشنانی، علی، سازمان و مدیریت مساجد، مرکز رسیدگی به امور مساجد: ص ۱۹ .

جام ام گائوس می‌گوید:

«سازمان عبارت است از تنظیم افراد جهت تسهیل در به ثمر رساندن مقاصد همگانی از راه تجنیس کارکرد و وظایف».⁵

در تعریف مدیریت اسلامی آمده است:

«فعالیتی که زمینه رشد انسان به سوی الله را فراهم نماید و مطابق کتاب و سنت و سیره و روش پیامبر و امامان معصوم و علوم و فنون و تجارب بشری جهت رسیدن به اهداف يك نظام یا سازمان در ابعاد مختلف همانند يك محور و مدار و قطب عمل کند مدیریت اسلامی است».⁶

پیامبر اکرم با ارائه تعریف جدید از دین و دین‌داری، جامعه نوینی را بر اساس شریعت اسلام پایه‌گذاری کردند و محور این حرکت را مساجد قرار دادند و همراهی دین و سیاست، دنیا و آخرت، مردم‌مداری و خداپاوری را در نهاد جمعی، اجرایی و مدیریتی به نام مسجد سازمان بخشیدند و مساجد را به عنوان نقطه عطف مدیریت در توسعه مودت، انس و اخوت در میان امت مسلمان مطرح ساختند.

مسجد به عنوان نقطه عطف مدیریت

از آنجا که در حکومت اسلامی میان مقامات مسئول و توده‌های مردمی جدایی نیست، و مسلمین می‌توانند بر مسیر و جهت‌گیری‌های حکومت بر روند امور جامعه نظارت کنند، و موضع خود در خصوص مسایل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... را به‌طور آشکار اعلام نمایند و با ارائه برنامه‌ها، طرح‌ها و پیشنهادات سازنده، حکومت را یاری دهند، براین اساس، پیامبر اکرم پس از بنیان‌گذاری نظام نوین اسلامی در مدینه به منظور دخالت و مشارکت مسلمانان در شیوه حکومت (مدیریت) و آگاه ساختن آنان با اهداف سیاسی اسلام، مسجد را که مرکزی عمومی و محل تجمع مسلمین برای ادای فرایض دینی بود، به عنوان پایگاه حکومت (مدیریت) و نهاد سیاسی - حکومتی (مدیریتی) اسلام برگزید و از آن پس تجسم عینی همبستگی دین با حکومت (مدیریت) در اسلام به بهترین وجه در مسجد متجلی گردید. پیامبر اکرم در مسجد، اصول سیاسی - حکومتی (مدیریتی) اسلام را با مردمان در میان گذارده و در حل و فصل

⁵ . پرهیزکار، کمال، *تئوری‌های مدیریت*: ص ۱۸ .

⁶ . *مدیریت اسلامی*، مرکز آموزش مدیریت: ص ۱۲ .

مشکلات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی جامعه اسلامی با ایشان مشورت می‌کرد. پیامبر اکرم همچنین مقدمات فکری - اجتماعی و مدیریت بیشتر غزوات را در مسجد فراهم می‌نمود. آن حضرت با ایراد خطبه‌های پر شور، مسلمانان را برای نبرد با دشمنای اسلام بسیج و از همان‌جا مدیریت می‌نمود. مساجد در دوران پیامبر اکرم از نظر عملکردهای سیاسی و اجتماعی بسیار فعال بودند و در این زمینه نقش بارزی ایفا می‌نمودند. در وهله اول از مساجد به عنوان مراکز اصلی حکومت یاد می‌گردید. باید دانست که دفتر کار خلفای مسلمین نیز در مساجد بود و در آنجا به رتق و فتق امور کشوری پرداخته می‌شد. هرگاه افرادی برای انجام پاره‌ای مذاکرات به مدینه می‌آمدند، در مسجد با خلیفه ملاقات می‌نمودند. در تاریخ المدینه المنوره آمده است که گروه‌هایی از فارس به مدینه آمدند و جویای محل جلوس خلیفه دوم شدند. وی را در منزلش نیافته، گفتند: خلیفه در مسجد است. پس بدانجا رفته و او را در مسجد در حالی که هیچ کسی با او نبود، یافتند.

ایشان گفتند: سلطنت واقعی همانا چنین سلطنتی است نه سلطنت کسری.^۷

علاوه بر این مساجد به عنوان مجالس شورا اسلامی به عموم معرفی شده بود. خلفا، انجمن‌های مشورتی را در مساجد تشکیل داده و در آنجا با مردم یا خبرگان محلی به مشورت و مذاکره در امور اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... جامعه اسلامی می‌پرداختند. به عنوان مثال هنگامی که علی علیه‌السلام می‌خواست برای نبرد با سپاه معاویه به شام برود، با مهاجرین و انصار در مسجد پیامبر در مدینه به مشورت پرداخت. ابن ابی‌الحدید می‌نویسد: چون فرستاده علی علیه‌السلام نزد معاویه بازگشت، امام در مسجد برای مردم خطبه سر داده و گفت: معاویه با سپاه شام برای نبرد و لشکرکشی به سوی عراق خود را مهیا ساخته است. رأی شما در این باره چیست؟ به این ترتیب مساجد در آن روزگار به عنوان مجالس شورا اسلامی نقش بارزی را در مدیریت ایفا می‌نمودند.

واگذاری امور به مردم و فراهم آوردن مشارکت و حضور مردم در صحنه‌های گوناگون اجتماعی از جمله تأمین نیازهای فراوان اجتماعی از ویژگی‌های جامعه مدنی شناخته می‌شود. یکی از مفاهیم جامعه مدنی این است که تا حد امکان فعالیت‌های اجتماعی به خود مردم واگذار گردیده و از تصدی دولت کاسته شود. حتی المقدور مردم خود داوطلبانه در انجام فعالیت‌های اجتماعی حضور داشته و در حد ضرورت دخالت کنند.^۸

^۷ . بلاذری، فتوح البلدان: ص ۲۲۶ .

^۸ . مصباح یزدی، محمد تقی، خلاصه مقالات همایش دین و توسعه: ش ۵ .

بنابراین مهم‌ترین وظیفه مساجد این است که در اعتلای فرهنگ انسان کوشیده و او را تا مقام خلافت الهی پیش برده و از هر فرد جامعه موجودی مهذب بسازد.

در این صورت علاوه بر این که جنبه مشارکت مردم در امور تقویت می‌گردد، ساختار مدیریتی مساجد منسجم‌تر شده و توسعه فرهنگ دینی و اعتلای نهادها و فعالیت‌های دینی در سطح جامعه به ویژه سطح محله‌ای فراهم می‌آید. میزان اهمیت عنصر مدیریت در هر نهادی با توجه به نقش‌ها و کارکردهای آن نهاد روشن و آشکار می‌گردد. نگاهی گذرا به نقش‌های گوناگون و مهمی که مساجد باید در عرصه‌های اجتماعی، عبادی، تربیتی، فرهنگی، آموزشی و... ایفا کنند، اهمیت نقش مدیریتی مساجد را روشن می‌سازد. از يك سو خداوند متعال کافران و مشرکان را از دخالت در اداره امور مدیریتی مساجد بازداشته «**ما كان للمشركين ان يعمرؤا مساجد الله شاهدین علی انفسهم بالكفر**» و از سوی دیگر، مؤمنان را که شرایط خاصی دارند برای اداره امور مدیریتی مساجد شایسته دانسته است «**انما يعمر مساجد الله من آمن بالله و الیوم الاخر**».

مسجد پایگاه مدیریت کشور پیامبر بود. بعدها، علی علیه‌السلام نیز از مسجد به عنوان پایگاه رسیدگی به امور مملکتی استفاده کرد. نقش مدیریتی مساجد عبارت است از:

اداره روابط اجتماعی از طریق هماهنگ سازی منابع (انسانی، مالی و مادی)، در جهت تحقق اهداف الهی و معنوی و توسعه بشر.

این وظیفه خطیر مستلزم آن است که مساجد با محور قرار دادن بعد عبادی مسجد، هر فعالیتی که تحقق ارزش‌های الهی و دینی را تسهیل می‌سازد به انجام رسانند.

این فعالیت‌ها و کارکردها دارای ابعاد مختلف آموزشی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... می‌باشند که تمامی آنها در جهت توسعه حیات بشر و قربه الی الله صورت می‌پذیرد. نکته شایان ذکر آن است که با چنین برداشتی، نقش مدیریتی مساجد تبدیل به حوزه‌ای پیچیده و ظریف می‌گردد چه آنکه در این مؤسسه، هم اداره کننده، هم اداره شونده و هم محصول انسان‌ها هستند. به عبارت روشن‌تر نقش مدیریتی مساجد با قلمروهای پیچیده فعالیت‌های انسانی سر و کار دارد که اداره امور آن بسیار پیچیده و مستلزم دانش و بینش عمیق در ابعاد مختلف می‌باشد. به عبارت دیگر در مقایسه با سایر شاخه‌های مدیریتی که عمدتاً از زاویه و چشم‌انداز خاصی، مدیریت را مدنظر قرار می‌دهند، نظیر مدیریت امور آموزشی، مدیریت فرهنگی، مدیریت اجتماعی و... نقش مدیریتی مساجد با تمامی این قلمروها سر و کار دارد. به این دلیل می‌توان گفت که علاوه بر نقش عبادی مسجد که البته محوری‌ترین کارکرد

مسجد به شمار می‌آید، نقش مدیریتی مساجد باید به قلمروهای مختلف مدیریت که در چارچوب عملکردها و فعالیت‌های مسجد قرار می‌گیرد، آگاهی و اشراف داشته باشد. با عنایت به این ویژگی است که می‌توان گفت، مدیریت مساجد دارای ماهیت منحصر به فرد و پیچیده‌ای است که اعمال کارآمد و اثربخشی آن مستلزم خیرگی و مهارت‌های متعدد است.^۹

مساجد خود را موظف می‌دانند که در مواقع نیاز روح جدید و تازه را در همه ارکان حاکمیت دمیده و آنها را فعال‌تر سازند. یکی از کارهای مهم مساجد انتقال نقطه نظرات و خواسته‌های مردم محلات و شهرها به سمع مسئولین کشور است که این امر یکی از امور مهم در اندیشه سیاسی اسلام است تا تصمیم‌گیری و مدیریت کلان کشور متناسب با نظات و خواسته‌های مردم در سطح خرد باشد. مساجد پشتیبان دولت و نظام اسلامی هستند. مساجد برای ادای وظیفه ظریف و دقیق و پیچیده خود در حوزه مدیریت به آگاهی‌های بسیاری نیازمندند از این‌رو می‌باید کاملاً در جریان امور مملکت قرار گرفته و این امر جز با هماهنگی تنگاتنگ دولت و مسجد میسر نیست. در این صورت است که مساجد می‌توانند با توجه به تناسب زمانی و نیاز اجتماعی به نقش آفرینی مؤثر خود در حوزه مدیریت ادامه دهند. مساجد باید به منظور ایفای نقش خود از ساختارهای مختلف جامعه استفاده کنند. به کارگیری تکنولوژی پیشرفته اطلاعاتی در دنیای جدید مجازی با محتوای متناسب با مساجد محلی از امور مهم است که می‌تواند با استفاده از آن ارایه خدمات خود را گسترش دهد. نقش مهم دیگر مساجد، تربیت دینی انسان‌های مؤمن است که بتوانند در عرصه‌های مختلف با استفاده از تجربیات علمی بشری جامعه را اداره کنند. بازیابی نقش گم‌گشته مدیریتی مساجد همچون صدر اسلام در سیره نبوی، ایجاد دولت در دولت نیست، بلکه ورود دولت به مسجد محلی است. مسجد تنها يك مكان نیست بلکه سازمانی بس مهم برای اجتماع مسلمانان و برقراری اتحاد، یکپارچگی و هدایت آنان به سوی نیکی است. از این‌رو هنگامی که مسجد ضرار برای ایجاد تفرقه در صفوف مؤمنان احداث شد، خداوند رسولش را فرمود تا آن را ویران کند. مسجد، میراث بزرگی برای تبادل افکار و مشاوره در امور مسلمانان است. مسلمانان در هر شهری که توسط سپاهیان اسلام فتح می‌گردید، مسجدی بنا می‌نمودند. هدف از انجام این کار این بود که مرکز فرهنگ، اشاعه تمدن و تکوین و مدیریت افکار عمومی صحیح اسلامی هم به شمار آید. هرگاه مسلمانان به مکانی جدید مهاجرت می‌نمودند، مسجدی احداث می‌کردند تا مرکز جدیدی برای گردهمایی مؤمنان باشد. خطبه جمعه نقش اساسی و فعالی در توجیه افکار عمومی اسلامی دارد.

^۹ . ابوالقاسمی، محمد جواد، تبیین جایگاه مسجد در نظام اسلامی: ص ۱۱ .

این در صورتی است که خطیب جمعه، نمازگزاران را نصیحت، ارشاد و توجیه کنند. بدین ترتیب افکار عمومی اسلامی در زیر سقف مساجد و براساس شورا شکل گرفته و جنبش‌های آزادی بخش اسلامی از مساجد محلی شهرهای سوریه، الجزایر، ایران، مصر و... آغاز شد. مساجد، تشکیلاتی مدیریتی مبتنی بر نظام اسلامی می‌باشند. رسول خدا امت خود را فرمان می‌دهد: «هرگاه سه نفر بودید، یکی را از میان خود امیر کنید». نظام اسلامی بر تمامی اوضاع خانواده، معاملات، بازارها و مظاهر زندگی اسلامی از کوچک تا بزرگ، حاکم بوده و مدیریت می‌نماید. اهل مسجد يك تشکیلات شرعی مخصوص به اداره مسجد به شمار می‌روند. اداره مساجد جامع بر عهده هیأت‌های امناست که از میان نمازگزاران مساجد انتخاب می‌شوند که در میان مردم به حسن رفتار و صداقت معروف هستند. مردم محلات در کارهایشان به این افراد مراجعه نموده و بدون مشورت با آنان هیچ اقدامی را انجام نمی‌دهند.

نقش مسجد در مدیریت اقتصادی

یکی از چالش‌هایی که همواره کشورهای در حال توسعه و عقب مانده در اجرای برنامه‌های توسعه خود با آن مواجه هستند، مسئله فقر و محرومیت اقشار قابل توجهی از افراد جامعه است. از يك سو رهایی از مشکل توسعه نیافتگی، نیازمند سرمایه گذاری کلان و نرخ رشد بالای اقتصادی است و از دیگر سو، فقر موجود در جامعه امکان چنین اقدامی را نمی‌دهد. ضمن آنکه دستیابی به نرخ رشد بالای اقتصادی به گونه‌ای می‌تواند شکاف طبقاتی در جامعه را دامن زده و موجبات فشار بیشتر بر روی قشر آسیب‌پذیر را فراهم آورد. اگر از منظر جامعه‌شناسی، نظری به جوامع گوناگون بیان‌دازیم چه در کشورهایی به اصطلاح سرمایه‌داری و چه در کشورهای کمونیستی و یا نظام‌های مختلف، نوعی تبعیض بین افراد جامعه مشهود است و همین تبعیض باعث ایجاد فقر و توسعه نیافتگی در جامعه می‌گردد. از این منظر، بحث (عدالت اجتماعی) و نوع رویکردی که برنامه‌های توسعه می‌توانند به این موضوع داشته باشند همواره یکی از مباحث اصلی در تدوین و اجرای هر برنامه توسعه به ویژه توسعه شهری بوده است. در صدر اسلام مسجد، مکانی برای حفظ خزانه مملکت اسلامی بود که این خود نشانگر ارتباط محکم میان دین اسلام و عدالت اجتماعی بود. در آن زمان از مساجد به عنوان مراکز امنی جهت نگهداری ثروت ملی استفاده می‌شد. در حال حاضر نیز با معطوف داشتن توجه به مساجد به ویژه مساجد محله‌ای می‌توان با توزیع متناسب بیت المال و اجرای صحیح عدالت اجتماعی از فقر و توسعه نیافتگی جلوگیری نموده و گام در جهت توسعه پایدار به ویژه توسعه شهری

و محله‌ای برداشت. مساجد بهترین پایگاه‌های آگاهی بخشی و عدالت خواهی می‌باشند. ما خوف از آن داریم که اگر چنانچه خارج از مساجد، سخنی از عدالت به میان آوریم، مفهوم عدالت منحرف و تعریف گردد و این در حالی است که می‌توان عدالت اجتماعی را در مسجد به عنوان پایگاه عدالت معرفی نموده. در این صورت عدالت نیز ظرف خوبی پیدا می‌کند و انحرافات به کمترین حد خود می‌رسند.

مسجد و مدیریت توسعه

از آنجایی که مساجد از بدو تأسیس، فعالیت اطلاع‌رسانی را در سنت خود که نماد آن اذان است، داشته‌اند، از این‌رو می‌توان از این مراکز با عنوان مراکز مدیریت اطلاع‌رسانی در سطوح شهری و محله‌ای یاد نمود. مساجد به جهت برخورداری از مبنای دقیق برای اطلاع‌رسانی، تأثیر بیشتری در امر اطلاع‌رسانی به ویژه در سطح محله‌ای خواهند داشت. مسجد به عنوان یک واحد اجتماعی از کارکردهای متعددی برخوردار بوده و میعادگاه مؤمنین است، از این طریق به زندگی اجتماعی وصل شده و می‌تواند در ارتباطات اجتماعی نقش آفرینی کرده و منبع و مرجع مهمی برای انتشار اخبار به ویژه در سطح محله‌ای باشد. با وجود ۵۷ هزار و ۶۲۵ مسجد در سراسر کشور (با مترای ۳۶ میلیون متر مکعب) به جرأت می‌توان گسترده‌ترین شبکه فراگیر اجتماعی در کشور را مساجد دانست.

از این‌رو، نقش مدیریتی این شبکه گسترده در توسعه شهری و به ویژه محله‌ای (هر چند که واحدهای کوچکی را در خود جای داده اما با پیوند یکدیگر مجموعه بزرگی را می‌سازد که از ظرفیت و پتانسیل بالایی برخوردار است) حایز اهمیت است. مزایای ایفای نقش مساجد در مدیریت توسعه محله‌ای مهم‌ترین فواید دخالت مساجد در حوزه مدیریت توسعه محلات شهری چون کلان شهر تهران می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱ - کاهش بار مالی نظام اسلامی.

هنگامی که گروهی از افراد بومی محله به عنوان افراد خدمت‌گذار در مساجد به فعالیت و انجام وظیفه در راستای انجام اقدامات مدیریتی جهت نیل به توسعه محله‌ای به عنوان عبادت می‌نمایند چرا باید وظیفه مدیریت توسعه محلات شهری بر دوش مأموران رسمی نظام قرار گیرد و گروهی را از کار خیر باز دارد و بار مالی قابل توجهی را به نظام اسلامی تحمیل نماید؟

۲ - تشکیل نهادها و استخدام کارکنان رسمی در راستای مدیریت توسعه محله‌ای.

۳ - انتخاب مدیران شایسته در لوای هیأت امنای مساجد از میان مردم محلات.

۴ - معمولاً، مردم يك منطقه با توجه به شناخت بهتری که از اوضاع و احوال منطقه و افراد شایسته ساکن در منطقه خود دارند، بهتر می‌توانند با مشارکت مساجد به انتخاب مدیران محله‌ای در قالب هیأت امنای مساجد مبادرت نمایند.

۵ - از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون هرگاه کار به مردم و نهادهای مردمی نظیر مساجد واگذار شده است، آنان وظیفه خود را به خوبی انجام داده‌اند و این در حالی است که هر زمان مردم یا نهادهای مردمی حضور نداشته‌اند یا حضورشان کم رنگ بوده، یا کاری انجام نگرفته و یا به کندی صورت پذیرفته است.

۶ - برقراری هماهنگی میان مدیران و ساکنین محله.

در جامعه ایران نیز همچون هر جامعه دیگر، جریان‌های گوناگون فکری وجود دارند و مردم هر منطقه و محل برای انجام فریضه نماز و دیگر مراسم مذهبی، در مسجد نزدیک به محل کار و زندگی خود حضور می‌یابند.

از این‌رو، وجود مدیران محله‌ای در بافت مساجد، خود به خود باعث هماهنگی میان مدیران و ساکنین محلات در راستای بررسی و مطرح ساختن مشکلات یا مسایل پیش روی محلات می‌گردد. حال آنکه انتخاب مدیران محله‌ای از سوی مرکز یا نهادی رسمی، چه بسا به نوعی به بی‌تناسبی میان مشکلات و مسایل موجود در سر راه توسعه محله و اقدامات مدیران انتخابی بینجامد و در نتیجه در عوض توسعه محله‌ای رکود و بی‌رونقی در محلات را در پی داشته باشد.

نقش مدیریتی مساجد در توسعه محله‌ای

برخی از رون‌های بارز زندگی اجتماعی در کلان شهری چون تهران در اکثریت شهرهای بزرگ جهان در فرآیند شهرنشینی و نوگرایی حضور دارند.

نوشته‌های جامعه‌شناسان معتبری چون امیل دورکیم، کثورت زیمیل و لویی‌ورت در اشاره به مشکلات جامعه شهری ابتدای قرن بیستم آغازگر این مباحث بوده‌اند.

به عنوان مثال، زیمیل معتقد بود که ساکنان شهرهای بزرگ به طور مداوم در معرض «تحریک عصبی» قرار دارند که لاجرم فرد را به بی‌تفاوتی و جدایی از افراد دیگر سوق می‌دهد. لویی‌ورت نیز بر این باور بود که تضعیف پیوندهای سنتی در شهر در اثر تخصص‌های گوناگون از

وابستگی متقابل افراد و ارتباطات نزدیک آنان می‌کاهد. در تحلیل نهایی، آنها زندگی شهری را به تنهایی، انزوا و احساس عدم امنیت معادل می‌گرفتند.

در نقطه مقابل، پایه و اساس دین اسلام بر اصل اجتماعی بودن قرار گرفته است تا انسان را از زندگی فردی و خزیدن در کنج غربت به تنهایی برهاند و او را به سوی زندگی جمعی و اجتماعی سوق دهد. از این‌رو، اسلام همواره مؤمنین را به شرکت در اجتماعات برای عبادت خداوند ترغیب می‌کند زیرا تنها از طریق اجتماع است که مسلمانان می‌توانند به صورت ید واحدی در مقابل مصایب و مشکلات ایستادگی کنند. **«يد الله مع الجماعة»**.

در این‌جاست که مساجد به عنوان جایگاه‌های سنتی نهادهایی در راستای رفع مشکلات مادی و معنوی رخ می‌نمایند. با مرکزیت یافتن مساجد به عنوان نهادهای مدیریتی در سطح محله‌ای نهاد خانواده نیز قوت می‌گیرد. شواهد بسیاری در دست است که نهاد خانواده در ایران در اثر عواملی مجزا از جمله ادامه عمومی مدرنیزاسیون و شهرنشینی و افزایش ولع ارتقای اجتماعی در تلاش برای ورود به دانشگاه و مدارس خصوصی و گسترش در کنار عدم درخواست و توانایی دولت جهت تقویت نهاد خانواده، همه و همه فرآیند تضعیف این نهاد مهم اجتماعی را فراهم آورده است. علاوه بر این با مرکزیت مساجد، محلات نیز قوت می‌گیرند. از حیث تاریخی محله کارکردهای متعدد اجتماعی دانسته است که به ویژه در مراکز تجمع گروهی همچون مساجد، هیأت‌ها، قهوه‌خانه‌ها و... تبلور می‌یابد. این فعالیت‌های جمعی و هنجار و ارزش‌های نسبتاً بیشتر در آن طبعاً اثری تنظیم‌کننده بر رفتارهای جمعی دارد. فرد عضوی از محله محسوب شده و نوعی همبستگی جمعی میان او و دیگران شکل می‌گیرد. در چنین حالتی فرد در ارتباط‌های مدنی و ضابطه‌مند قرار گرفته، خود را به گفت‌وگو و همبستگی‌های سنتی پایبند نموده و از هویت جمعی جدیدی برخوردار می‌گردد. در این‌جاست که با گسترش چنین وضعیتی، ارتباطات مدنی و ضابطه‌مند گسترش یافته و محله به عنوان بخش خردی از ساختار کلان شهری چون تهران مطرح شده و رابطه ملموس توسعه و پیشرفت آن در رابطه با مساجد و ارتباطات افراد محله مشهود و هویدا می‌گردد.